

تأثیر آموزه شفاعت در رفتار اخلاقی و اجتماعی مبتنی بر نظر ملاصدرا و آیات قرآنی

فاطمه مقدری^۱

عبدالرضا جمالزاده^۲

نقیسه فیاض بخش^۳

چکیده

هدف مقاله پیشروی بررسی تأثیر آموزه شفاعت در رفتار اخلاقی و اجتماعی مبتنی بر نظر ملاصدرا و آیات قرآنی است که با روش توصیفی و تحلیل اسنادی و با استفاده از ابزار کتابخانه‌ای انجام شده است. براساس آیات قرآنی و نظر داشت اندیشه "صدرالمآلهین شیرازی"، مسئله شفاعت بر مبنای قاعده امکان اشرف فیوضات الهی، تابش نوری از حضرت الهیه بر عالم ممکنات به واسطه ممکن الوجود اشرف به ممکنات اخس در سیر مراتب و قوس نزولی به مادون از عقول، نفوس و طبایع کلی تسری می‌یابد و در سلسله بازگشت از انبیا، اولیای و علما بر طبایع نفوس و عقول تجلی می‌یابد تا در این سیر، به شکل رفتار اخلاقی بر فعل انسانی در جامعه بشری ظهور می‌یابد و زمینه تعالی و تکامل ذهنی و عملی را برای ساخت سبک زندگی بر معیار ارزش‌های الهی فراهم می‌آورد.

کلید واژه‌ها: شفاعت، فیض الهی، ملاصدرا، اخلاق، رفتار اجتماعی.

۱. دانشجوی دکتری الهیات و معارف اسلامی، گرایش فلسفه و کلام اسلامی، واحد تهران شمال، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران، fatemehMoghadari@yahoo.com

۲. استادیار گروه فلسفه واحد تهران شمال، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران، (نویسنده مسئول).

Ajamalzadeh@gmail.com
nfayazbaksh@yahoo.com

۳. استادیار گروه فلسفه واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۲/۱ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۴/۳

۱. مقدمه

تکامل انسان هدف والای آفرینش خداست. پیامبر خدا با اخلاق برتر خویش، به بالاترین درجه از درجه‌های تکامل انسانی رسید تا جایی که خداوند ایشان را چنین توصیف نمود: «تو دارای خوی سترگ (یعنی صفات پسندیده و افعال حمیده) هستی»^۱. این خوی و منش عظیم رسول عنایت خداوندی است که موجودات اشرف خود را نائل به آن می‌کند تا دیگر موجودات در درجات بعدی از طریق قاعده امکان اشرف به نعمت بهره‌مندی از بخشش الهی دست یابند.

مبنای قاعده امکان اشرف نزد حکمای اسلامی و از جمله ملاصدر موجب شده است تا تبیین امر شفاعت تسهیل گردد. چنان‌که براساس این قاعده، امکان اشرف فیوضات الهی به عالم ممکنات باید از طریق و به واسطه ممکن‌الوجود اشرف به ممکنات احس برسد؛ بنابراین در سیر مراتب بر مبنای قاعده فوق، نور شفاعت از مافوق به مادون تجلی می‌یابد و از اشرف در قوس نزولی به مادون می‌رسد.

صدرالمتألهین شیرازی براساس اصول و مبانی فلسفی از جمله "قاعده امکان اشرف فیوضات الهی" امر شفاعت را ذومراتب معرفی می‌کند. ایشان معتقد است، بین واسطه نخست و ثانی تفاوت ماهیتی وجود ندارد. جز آن‌که تفاوت از جهت قوت و ضعف و یا به اصالت و تبعیت است. به همین دلیل صدرالمتألهین به این سخن پیامبر صلی‌الله‌علیه‌و آله اشاره می‌کند که: «من اکرم عالماً فقد اکرمنی». «کرموا العلماء فأنهم ورثه الانبیاء فمن اکرمهم فقد اکرم الله و رسوله». (صدرالدین شیرازی، ۱۳۸۹: ۶۶). باتوجه به این معنی، صدرالمتألهین شیرازی در بحث قاعده امکان اشرف فیوضات الهی بیان داشته که؛ ممکن اشرف باید قبل از ممکن احس وجود داشته باشد. مراد از قبلت در اینجا، قبلت ذاتی است نه زمانی، یعنی ممکن اشرف باید در رتبه عللی ممکن احس و در طول ممکن احس باشد. ممکن اشرف، بلاواسطه از حق تعالی صادر گردیده است و اصلاً امکان ندارد اشرف از حق تعالی صادر نشود. اگر ممکن اشرف ممتنع بود، ممکن احس نیز صادر نمی‌شد (شیرازی، ۱۴۲۹: ج ۲: ۱۲۵۵). پس نور وجود ممکن اشرف

۱. وَإِنَّكَ لَعَلَىٰ خُلُقٍ عَظِيمٍ.

۲. وَإِنَّ لَكَ لَأَجْرًا غَيْرَ مَمْنُونٍ * وَإِنَّكَ لَعَلَىٰ خُلُقٍ عَظِيمٍ (قلم ۴ و ۳).

تأسیر آموزه شفاعت در رفتار اخلاقی و اجتماعی مبتنی بر نظر ملاصدرا و آیات قرآنی ۱۶۱۱۱۱

(عالی‌ترین فرد ممکن الوجود)، ریشه موجودات و سبب ذاتی فاعلی آنها می‌باشد که پیش از موجودات بوده و میوه درخت ممکنات و سبب نهایی پسین آنهاست. اول و آخر هستی اوست و پایان کتاب وجود است (صدرالدین شیرازی، ۱۳۸۹: ۴۹).

حکیم الهی صدرالمتألهین شیرازی به مناسب‌های مختلف در شرح و تفسیر آیات قرآن کریم به مبحث شفاعت می‌پردازد عمده منابع آرای وی در زمینه شفاعت را باید از تفسیر قرآن او جویا شد؛ «واتقوا يوماً لا تجزی نفسٌ من نفسٍ شیئاً و لا یقبلُ منها شفاعه و لا یؤخذ منها عدلٌ و لاهم ینصرون^۱». قرائت اهل مکه و بصره کلمه «لا تقبل» با تاء است؛ ولی سایر گروه‌های اعراب با یاء تلفظ و قرائت می‌کنند. انّ الذین کفروا و ماتوا و هم کفار، فان یتقبل من احدهم مل الارض ذهباً و لوا فتدی بر [۹۱/۳]. و ان تعدل کلّ عدل لا یؤاخذ منها [۷۰/۶]. کلمه نصر به معنای یاری و معونت است و گفته شده که حضرت، اخص از معونت است زیرا اختصاص به دفع ضرر دارد. ملاصدرا گوید: «اذن» هر جا در قرآن بکار رفته اشاره به سبب فاعلی ذاتی است و امر عرضی جسمانی را مورد نظر ندارد (فافهم و استقم). عبارت ملاصدرا چنین است: «فان لفظ «الاذن» اینما وقع فی القرآن کان اشاره الی السبب الفاعلی الذات دون العرض الجسمانی - فافهم و استقم» (ملاصدرا، ۱۳۶۶، ج ۳: ۳۲۳).

بنابراین یا بعد از دخول در جهنم است که همان بحث انقطاع عذاب مطرح است یا بدون عذاب خواهد بود و آن تحت عنوان «عفو تام» مطرح است. مانند فرموده حضرت حق: «فمن یعمل مثقال ذره خیراً یره» [۷/۹۹] و آیه: «من عمل صالحاً من ذکرا و أنثی و هو مؤمن فاولئک یدخلون الجنة» [۴۰/۴۰] و مانند فرمایش پیامبر اکرم (ص): «من قال لا اله الا الله دخل الجنة». نصوصی وجود دارد که اشعار به خروج از آتش دارند مثل: «النار مثویکم خالدین فیها الا ماشاء الله» [۱۲۸/۶] و همین طور فرموده پیامبر (ص): «یخرج من النار قوم بعدها امتحشوا و صاروا فحماً و جمیعاً فینبتون کما ینبت الجنة فی حمیل السیل» (احمد بن حنبل، ۱۳۹۱، ج ۳: ۵۶).

باتوجه به بیان صدرالمتألهین از آیات قرآنی و باتوجه به نظریه جوهری، ایشان بر این عقیده است که؛ هر جوهری که استعداد حصول صفتی را دارد، به واسطه کثرت انفعالات، صورت

۱. و حذر کنید از آن روزی که هیچ کس به کار دیگری نیاید، و شفاعت هیچ کس پذیرفته نشود، و فدا و عوض از کسی قبول نکنند، و هیچ یاری کننده و فریاد رسی نخواهند داشت.

جوهری مناسب با آن صفت در او ایجاد می‌شود. پس نفس انسان نیز در آغاز آفرینش، دارای قوه‌ای است به نام عقل هیولایی. با توجه به این بیان از حرکت جوهری است که گفته شده؛ نفوس انسانی در قیامت، تحت یکی از اجناس چهارگانه؛ سبعی، بهیمی، شیطانی و ملکی واقع می‌شوند (صدرالمآلهین، ۱۹۸۱، ۵:۲۴۹). همچنین در بحث اثبات شفاعت پیامبر و عدم شمول آن نسبت به کفار، متفکران اسلامی اتفاق نظر دارند و از این جهت دو آیه^۱ (اسراء: ۷۹) و^۲ (ضحی: ۵) را به مقام شفاعت حمل می‌کنند. با وجود این، شمول شفاعت و شفاعت شوندگان در نظر آنان اتفاقی نیست؛ به این ترتیب که معتزله شفاعت را در زیاد شدن نعمت‌های بهشتیان می‌دانند (عبدالجبار، ۱۴۲۲: ۴۶۵)، نه تخفیف عذاب اهل جهنم؛ ولی اشاعره علاوه بر آن، شفاعت پیامبر را در ساقط شدن عقاب از اهل جهنم و عذاب نیز فراگیر می‌دانند (اشعری، ۱۴۰۰: ۴۷). از این رو، شفاعت پیامبر در قیامت شامل آنها می‌گردد تا اینکه داخل جهنم نشوند، و یا در صورت ورود به جهنم، با شمول شفاعت از آن خارج شده و به بهشت وارد شوند (جرجانی، ۱۳۲۵، ج ۸: ۳۱۳). با توجه به این معنی، گناهکاران اهل توحید [اعم از فاسقان و مرتکبان گناهان کبیره] در صورتی که مرتکب گناهی شده باشند، شفاعت شامل آنها می‌شود^۳ (ملاصدرا، ۱۳۶۰: ۲۱۴) برهان فلسفی این مطلب از دیدگاه صدرالمآلهین چنین است: هر کسی که نسبت و سنخیتی با انسان کامل و پیامبر داشته باشد؛ اعم از مؤمنان یا گناهکاران، مشمول شفاعت او خواهند شد. البته در صورتی که گناه، ملکه راسخ در وجود آنها نشده باشد؛ به گونه‌ای که سبب زوال سنخیت و مناسبت با پیامبر گردد. در این صورت، به دلیل فقدان استعداد و قابلیت، و استحکام ملکات ضمیمه، شمول شفاعت نسبت به آنها ممتنع می‌گردد (ملاصدرا، ۱۳۶۶، ج ۴: ۱۳۶) بنابراین، از دیدگاه ملاصدرا شفاعت کنندگان واسطه‌های فیض خداوند در دو قوس صعود و نزول هستند. زیرا که موجودات متقدم در دریافت فیض نسبت به موجودات متأخر، اولی هستند و به دلیل سنخیت میان علت و معلول، مادیات و انسان‌ها عادی

۱. «عَسَىٰ أَنْ يَبْعَثَكَ رَبُّكَ مَقَامًا مَّحْمُودًا».

۲. «وَلَسَوْفَ يَعْطَىٰ بِكَ رَبُّكَ فَتَرْضَىٰ»

۳. در این باب از مسأله شفاعت، در روایات شیعی آمده است که: «انه لا یصیبُ خِداً مِنْ اَهلِ التَّوْحِيدِ لَمْ فِی النَّارِ إِذَا دَخَلُوهَا وَ إِنَّمَا تُصِيبُ هُمُ الْاَلَامُ عِنْدَ الْخُرُوجِ مِنْهُ اِفْتَكُونُ تِلْكَ الْاَلَامُ جَزَاءً بِمَا كَسَبَتْ اَبْدَىٰ هُمُ وَ مَا اللّٰهُ بِظَلَمٍ لِّلْعَبِيدِ» (ابن بابویه، ۱۴۱۴: ۷۸).

مأثر آموخته شفاعت در رفتار اخلاقی و اجتماعی مبتنی بر نظر ملاصدرا و آیات قرآنی ۱۶۳۱۱۱

توسط مجردات و انسان‌ها کامل، فیض خداوند را دریافت می‌کنند. با توجه به اینکه همه موجودات امکان ذاتی از یک سوی و امکان فقری از سوی دیگر دارند، همه آنها وابسته و نیازمند به خداوند هستند و استقلالی ندارند. به بیان دیگر، همه افعال آنها به دلیل نیازمندی وجودی، وابسته و نیازمند به خداوند است. «الإذن عبارة عن جعله تعالی بعض الممكنات مخصوصا بالقرب إليه و التوسط بین هو بین من لیس له هذه المرتبة.» (همان، ۱۲). این وابستگی به مبدأ و نیازمندی به نور الهی موجب می‌شود تا دریافت فیوضات برجسته‌های ذهنی و رفتار انسان اثرگذار و سبب شود تا فرد شفاعت شونده التزامات رفتاری را در خود پرورش دهد و عملکرد میان خود و دیگران را بهبود بخشد. اینجاست که تحولات روحی و ذهنی شفاعت شونده به کمال کردار وی در حوزه فردی و جمعی کمک می‌کند تا سبک زندگی خود را مطابق با نزولات نورانی الهی بدور از هیجان‌ات و ارتباطات شیطانی پایه ریزی نماید که در نهایت به توسعه زندگی در چارچوب اعتدال الهی سوق داده می‌شود. چرا که بر اساس نظر ملاصدرا تکامل افعال انسان‌ها بلحاظ وابستگی و نیاز به مبدأ الهی، می‌تواند موجبات کمال انسانی را فراهم سازد.

در راستای تبیین موضوع که بر محوریت نظرات و دیدگاه‌های ملاصدرا، دیدگاه‌هایی نیز به صورت مکتوب از سوی برخی صاحب‌نظرها ارائه شده است که هرچند به طور مستقیم به کاوش موضوع مورد بحث نپرداخته‌اند ولی در برخی موارد با مباحث فرض شده ارتباط دارند که در ادامه به برخی از آنها اشاره می‌شود؛

گرچیان، «حرکت جوهری صدرایی و تأثیر آن بر دیدگاه‌های او در تفسیر قرآن کریم» (۱۳۸۴)؛ فنی اصل، شفاعت از دیدگاه صدر المتألهین (۱۳۸۸)؛ راستی کردار، شفاعت - مقایسه دیدگاه ابن تیمیه در مجموعه فتاوا و ملاصدرا در تفسیر آیه الکرسی، (۱۳۸۸)؛ صدقی الانق، «شفاعت در اسلام» (۱۳۹۳)؛ مصباح؛ تفسیر قرآن کریم (۸)؛ سوره بقره، آیه ۴۸ (شفاعت در قرآن)، (۱۳۹۴)؛ حسینی نسب، رابطه شفاعت با مقام معنوی مؤمنان (۱۳۹۴)؛ مهین روستا و همکاران، مبانی حکمی شفاعت در عرفان اسلامی (۱۳۹۵)؛ بیات و همکاران، «بررسی تطبیقی مسئله شفاعت از منظر حکمت متعالیه - اشاعره (با محوریت آرای فخر رازی) و معتزله (با محوریت آرای قاضی عبدالجبار) با توجه به آیات قرآن کریم» (۱۳۹۷)؛

نظر به موضوع مقاله و با توجه به هدف که تبیین تأثیر آموزه شفاعت در رفتار اخلاقی و اجتماعی مبتنی بر نظر ملاصدرا و آیات قرآنی، محور اصلی مقاله، پیگیری و تحلیل نظری این مسئله است که؛ آموزه شفاعت مبتنی بر آیات قرآنی و نظرات ملاصدرا چه تأثیری در رفتار اخلاقی و اجتماعی دارد؟

مبانی نظری اخلاق

اخلاق فردی مبین این است که؛ ارزش‌های اخلاقی مربوط به حیات فردی انسان‌هاست که آدمی را فارغ از رابطه با غیر در نظر می‌گیرد؛ مانند فضیلت‌های صبر، حکمت، توکل، اخلاص و عزت نفس، و رذیلت‌های پرخوری، شتاب‌زدگی و سبک‌مغزی. مراد از اخلاق اجتماعی؛ ارزش‌ها و ضدارزش‌های حاکم بر رابطه فرد با سایر انسان‌هاست؛ مانند معاشرت نیکو، عدل، احسان، حسد و تکبر. (علیزاده، ۱۳۸۹: ۲۲-۲۳) و رفتار اخلاقی را مجموعه‌ای از صفات روحی و باطنی انسان تعریف کرده‌اند که به صورت اعمال و رفتاری که از خلقیات درونی انسان ناشی می‌شود بروز می‌کند و می‌توان گفت اخلاق را از راه آثارش می‌توان تعریف کرد (قراملکی، ۱۳۸۵: ۳۲). همچنین رفتار اجتماعی نیز شامل تمام اعمال فرد است که دیگران نیز آنها را آموخته و درک می‌کنند (دیلمی و همکاران، ۱۳۸۲: ۱۲).

اخلاق یک‌سری اعتقادات فردی است که تعریف‌کننده رفتار درست و نادرست است. به‌طور کلی، اخلاق دربردارنده مفاهیم و ارزش‌هایی است که بیرون از فرد و جامعه شکل گرفته‌اند، فراتر از اجتماع‌اند و صاحب نوعی هستی خارجی‌اند. اخلاق "را از طریق آثارش نیز می‌توان تعریف کرد (عظیمی و همکاران، ۱۳۹۳). با این نگاه به اخلاق و معیارهای اخلاقی باید پذیرفت که اخلاق موضوعی است که هرگز در قاموس زندگی فردی و اجتماعی انسان‌ها فراموش نشده و نخواهد شد (دیل & هاینک، ۱۴۰۱: ۵۷) به نظر می‌رسد اهمیت این موضوع مربوط به این سؤال در حوزه اخلاق باشد که چه کاری خوب یا درست و چه کاری بد یا نادرست است؟ و اذهان پژوهندگان را در ارتباط با رفتار اخلاقی و اجتماعی به خود مشغول نموده است.

نظر به آنچه در بیان تعریف اخلاق گفته شد این نکته قابل ادعان است که یک چهارچوب اخلاقی، نمایانگر محیط اجتماعی است و باورهای موجود است. البته این باورها مطلق نیست و به‌مرور زمان و در

تأثیر آموزه شفاعت در رفتار اخلاقی و اجتماعی مبتنی بر نظر ملاصدرا و آیات قرآنی ۱۶۵

کشورهای مختلف با سیاست و مذهب، اقتصاد و بافت اجتماعی مختلف تغییر می‌یابد. ولی آنچه در تمام دوره‌ها و نظام‌های حقوقی - اجتماعی به عنوان هدف اخلاق مورد نظر است، تعالی و توسعه حقوق بشری و بهبود رفتارهای انسانی است که صرفاً به دلیل انسان بودن، در قبال خود و دیگران مسئولیت اخلاقی داشته و ادیان الهی و سنت‌های اخلاقی نیز بر چنین مسئولیت‌پذیری تأکید داشته و دارند؛ بنابراین انگیزه اصلی رفتار اخلاقی تعالی انسان بودن افراد در حوزه‌های شخصی و اجتماعی است. زیرا نقش رفتار اخلاقی آن است که با بهبود عملکرد ارتباطی به تعالی خصایص انسانی توجه دارد و اخلاق را صرفاً به دلیل گرایش و بصیرت انسانی ارج می‌نهد و چون انسان‌ها اخلاق را ارج می‌نهند، اخلاق بودن به تبع، اقبال و حمایت انسان‌ها را در پی دارد و این رویکرد رفتاری خود چارچوبی است از معیارهای رفتاری که توجه دادن به منافع اخلاق ورزی در آموزه‌های دینی نیز آمده است (قراملکی، ۱۳۸۸) و بر اساس همین آموزه‌های دینی است که به عقیده‌اش مطهری، علم اخلاق، علم زیستن یا علم به این است که چگونه باید زیست تا زندگی، سراسر ارزشمند و مقدس و متعالی باشد. (مهرآذین، ۱۳۷۲: ۲۹)

مدیریت اخلاق، شناسایی و اولویت‌بندی ارزش‌ها برای هدایت رفتارها در جامعه است (قراملکی، ۱۳۸۸: ۷۵). همچنین اعتقاد قلبی و راسخ افراد به اصول و ضوابط اخلاقی، احتمال رفتار اخلاقی را در فرد بسیار افزایش می‌دهد. افرادی که اعتقاد به اصول اخلاقی در آن‌ها بسیار قوی باشد، در مقایسه با دیگران که این اعتقاد در آن‌ها ضعیف است، انتظار بیشتری در رفتار اخلاقی از آن‌ها در سطح جامعه وجود دارد. (پاریزی، ۱۳۷۱: ۳۰) و به نسبتی که اعتقاد به اصول اخلاقی افزایش یافته باشد، کارکردهای اجتماعی افراد نیز به معیار ارزش‌های دینی که توسط انبیا و اولیای عظام برای دیگران بیان شده است می‌تواند بر رفتار اخلاقی - اجتماعی انسان‌های مشتاق شفاعت اثرگذار باشد و آنها را به سعادت می‌رساند که نوید داده شده است رهنمون گردد.

شفاعت از منظر آیات قرآنی و نظر ملاصدرا

شفاعت از جمله مباحث کلامی است که متفکران مسلمان با الهام‌گیری از آیات قرآن اتفاق نظر دارند و آن را مطرح کردند. در قرآن و روایات اسلامی، حق شفاعت درباره گروه‌ها، افراد، مکان‌ها، قرآن و ... فراوان به چشم می‌خورد که به مجموع آنها اشاره می‌شود (خداوند) (و

آخر من یشفع هو رحم الرحمن)، پیامبر اسلام، امامان معصوم، پیامبران، فرشتگان، شهیدان راه خدا، دانشمندان، خویشاوندان، همسایگان، مؤمنان، امانت‌داران و... از جمله شفیعان هستند (جوادی آملی، ۱۳۸۷، ج ۵: ۱۳۹)

۱- معنای لغوی شفاعت

«لغت «شفاعت» از ماده «شفع» گرفته شده است که در لغت به معنای منضم کردن چیزی به چیزی دیگر است. شفاعت از ماده «شفع»، گونه‌ای از نصرت و یابوری (ابن سیده، ۱۴۲۱، ج ۱: ۳۷۸) نسبت به انسان نیازمند است که با اذن خداوند انجام می‌گیرد (رازی، ۱۴۲۰، ج ۱۲۹: ۵). شفع در ادبیات و زبان عربی معمولاً به معنای زوج در برابر فرد بکار می‌رود. (ابن عبدالقادر الرازی، ۱۴۱۴ق، ج ۲: ۳۱۱؛ ابن فارس، ۱۴۰۴، ج ۳: ۲۰۱) و «شفاعت»، ضمیمه شدن فردی به فرد دیگری است برای کمک گرفتن از وی. شفاعت عمدتاً در جایی به کار می‌رود که کسی که از مقام بالاتری برخوردار باشد ضمیمه به فردی می‌شود که مقامش پایین‌تر از او است» (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق). با توجه به تعاریف گفته شده و عبارات ملاحظه‌شده، می‌توان نکات زیر را به دست آورد که؛ شفاعت طلب بخشش برای دیگری و طلب اعطا و چیزی به دیگری است. همچنین وسیله و اتصال و نزدیکی است که گویا مشفوع تنها بوده و شفیع با ضم کردن خود به او، وی را جفت کرده است.

۲- معنای اصطلاحی شفاعت

معنای اصطلاحی شفاعت، آن‌چنان که بعضی از علما گفته‌اند، این است که عده‌ای از مقرّبین حضرت حق، برای بخشش گناهان بندگان یا افزایش درجات آنان، بین خدا و بندگان واسطه شوند. این معنا وقتی محقق می‌شود که بنده در دنیا رابطه خود را با شفیع خویش، به واسطه شدت محبت به او یا کثرت اقتدا به او یا کثرت یاد و ذکرش یا تألم و ناراحتی برای فقدانش یا... محکم کند که هر کدام سببی است برای نورانی شدن قلب و نزدیکی و قرب به خدای عزّوجلّ (فیض کاشانی، ۱۴۰۰ق: ۹۸۳)؛ لذا محور این نوع شفاعت، دگرگونی و تغییر موضع شفاعت شونده است و ایمان به آن، یک مکتب عالی تربیتی و وسیله اصلاح افراد گناهکار و آلوده، و بیداری و آگاهی است که می‌تواند به صورت رفتار اخلاقی و اجتماعی در فعل و عمل شخص نمود یابد. با بررسی آثار حکیم صدرای شیرازی دو مفهوم از شفاعت به دست می‌آید که در مفهوم اول برای معنای «وساطت برای تابش نوراللهی» برای همه انسان‌ها، حتی انبیا و

مأثر آموخته شفاعت در رفتار اخلاقی و اجتماعی مبتنی بر نظر ملاصدرا و آیات قرآنی ۱۶۷

اولیای الهی بکار می‌رود و در معنای دوم به معنای وساطت برای بخشش و دفع و رفع عقاب و مضارّ بکار برده شده است که شامل حال گنهکاران و صاحب گناهان کبیره می‌شود.^۱ از نظر ملاصدرا، شفاعت نوری است که از جانب حضرت حق بر (شخص شفیع) که واسطه بین خودش و دیگر موجودات که در مراحل پایینی در نقصان قرار گرفته‌اند، می‌تابد.

۳- حقیقت شفاعت در نظر ملاصدرا

شفاعت در نزد حکیم صدر المتألهین یک اصل مسلم شرعی است که آیات و روایات بر آن صحّه می‌نهد و علماء فریقین بر نظریه شفاعت اصرار دارند و اختلاف را فقط در بعضی کیفیت‌ها و چگونگی یا میزان تأثیر گذاری می‌داند. شفاعت در نزد ملاصدرا یک امر ظاهری و سطحی نیست بلکه اضلاع و چارچوب متقن و محکمی دارد که در ادامه به آن اشاره می‌شود.

۱- شفاعت به عنوان نور، رافع نقائص شفاعت شوندگان

شفاعت از نظر ملاصدرا از جنس نور است و نور همان است که در عبارات شیخ اشراق آمده است: «ظایرُ بذاته و مظهره لغدیره» خاصیت نور آن است که ذاتاً امری آشکار و غیر پنهان است و دیگران را هم روشن می‌کند. این خاصیت نور بودن موجب شده است تا شفاعت رافع نقائص شفاعت شوندگان باشد. در این خصوص ملاصدرا می‌گوید: «به بجبر النقائص الحاصله من تصاعف الامکان» (صدرالدین شیرازی، ۱۴۰۳، ج ۵: ۱۲۴) به واسطه نور شفاعت است که کاستی‌های لازمه عالم امکان جبران می‌گردد همان‌گونه که پیداست شفاعت را به عالم هستی و سیر وجودی و تکوین نسبت می‌دهد و صرفاً جنبه تشریحی برای آن قائل نیست وی مراحل وجودی کائنات را چنین بیان می‌کند: «فالمتوسّطون فی سلسله البدو: هم العقول الفعّاله، ثم استتوس العمّاله، ثم الطبايع النّقاله الکلیّه. و فی سلسله العود: الانبیاء ثم الاولیاء، ثم العلماء (صدرالدین شیرازی، ۱۴۰۳، ج ۵: ۱۲۴).

۴- تناسب ذاتی بین شفیع و مشفوع

لازمه شفاعت مناسبت ذاتی است. به این معنا که؛ اصل سنخیت که در لغت به معنای هماهنگی در اصل و ذات و ریشه است و تسنخ یعنی هماهنگی و همسانی در ذات و اصل و ریشه می‌باشد (صدر المتألهین، ۱۳۸۲: ۲۴۹). ملاصدرا در مبحث شفاعت از تناسب ذاتی بین شفیع و

۱. «اعلم أنّ الشفاعه‌ای ما به بصیر الشخص شفیعاً هو تور شرق من الحضرة الالهیه علی جواهر الوسائط بنیه و بین النازلین فی مهوی البعد و النقصان» (ملا صدرا، ۱۳۸۸، ج ۵، ص ۱۲۴).

مشفوع سخن می گوید^۱ و معتقد است ممکنات باید مناسبت خاصی داشته باشند تا بتوانند شایستگی دریافت نور الهی را کسب نموده و مورد شفاعت واقع شوند چون هر کسی با هر شرایطی لایق شفاعت نبوده و نمی تواند از آن بهره مند گردد همان طوری که برای تابش نور حسی نیز باید بین منیر و واسطه و مستنیر مناسب وضعی خاصی برقرار باشد تا امکان تابش نور وانعکاس آن فراهم گردد (ملاصدرا، ۱۳۶۶، ج ۷: ۳۴۸)

عبارت ملاصدرا ذیل آیه ۱۰ سوره طارق که قرآن می فرماید: «فماله من قوه و لا ناصر» یعنی هم قوه و هم ناصر در روز قیامت برای افراد وجود ندارد و فایده ای نمی رساند. ملاصدرا گوید: در عالم آخرت، مبادی ذاتیه است و اتفاقی نیست و جهات منحصر است در جهات ما علی که از مبدأ علی شروع می شود.^۲ ملاصدرا در پایان به این تناسب و لزوم سنخیت بین شفیع و مشفوع اشاره می کند^۳ (ملاصدرا، ۱۳۶۶، ج ۷: ۳۴۸).

۵- شفاعت و خلود در جهنم

آیا کسانی که مرتکب گناه کبیره هستند و توبه نمی کنند در عذاب جهنم همیگی و جاودان هستند یا نه؟^۴ در پاسخ به این پرسش، بزرگانی مثل صدر المتألهین و ابن عربی و قیصری و قونوی و فیض کاشانی دو دلیل بر خروج کفار از جهنم یا غیردائمی بودن عذاب دارند که عبارت است: فطرت انسان بر توحید است و انتساب کفر امری عرضی و به دلیل عامل خارجی است که حرکت قسری است و بالاخره روزی عامل فطری غلبه می کند و انسان از عذاب نجات می یابد. رحمت گسترده خداوند و اینکه بر غضب او پیشی دارد موجب نجات او از عذاب الهی می شود. (صدر الدین شیرازی، ۱۳۸۲: ۳۱۳)^۵

۱. در اصطلاح فیلسوفان در سرای هستی بین موجودات علت و معلول نیز باید تناسب باشد. یعنی رابطه ای خاص بین علت و معلول وجود دارد که سبب می شود یک معلول خاص از یک علت خاص به وجود آید و یک علت خاص فقط سبب برای آن معلول خاص باشد (ملاصدرا، ۱۳۹۸: ۵۴۵ و طباطبایی، ۱۳۹۰: ۸۷ و طباطبائی، ۱۳۷۲: ۱۶۶).

۲. می فرماید: «یوم یغیر المرء من اخیه * واهه و ایبه ملا و صاحبه و بنیه * لکل امری منهم یومئذ شان یغنیه».

۳. والحق ان الشفاعه لا تثبت الا بعد تحقق المناسبه للذاتیه بین الشافع و ما یشفع له، و کون الشافع من الوسائط العقلیه لا الوضعیه، فعلی هذا لاینافی ثبوتها کلیه الحکم المذکور، اذ السلب من جهه و الايجاب من جهه اخری کما عملت

۴. شیخ مفید می فرماید: امامیه اتفاق نظر دارند که ترسانیدن به خلود در آتش متوجه خصوص کفار است اما مرتکبین گناهان کبیره که از اهل معرفت به خدا و اقرار به فرائض الهی و از اهل نماز هستند مخلد در جهنم نیستند (شیخ مفید، ۱۴۱۴: ۱۴).

۵. جناب علامه حلی در کشف المراد گوید: حق آن است که عقاب صاحبان گناهان کبیره قطع می گردد و بالاخره روزی وارد بهشت می شوند. (شیروانی، ۱۳۸۳: ۲۷۶)

تأثیر آموزه شفاعت در رفتار اخلاقی و اجتماعی مبتنی بر نظر ملامت‌گرای قرآنی ۱۶۹

از مجموع مطالب فوق به دست می‌آید که رای معتزله بر عدم بخشایش صاحبان گناهان کبیره یا کلیه به کفر ایشان از نظر ملامت‌گرا و جمهور متکلمین شیعه و همچنین عرفای بزرگ مانند ابن عربی و فیض صحیح نیست و کسی که گناه کبیره انجام داده است بعد از مدتی که مورد عذاب الهی واقع می‌شود از این عذاب نجات پیدا می‌کند و عذاب او دائمی نیست هر چند وجود و بقاء او در جهنم امری دائمی باشد یعنی در دوزخ سپری نماید همانگونه که قرآن ایشان را مخلّد در آتش می‌داند اما عذاب آنها دائمی نیست بنابراین طبق نظر ملامت‌گرا صاحبان گناهان کبیره نیز می‌توانند مورد شفاعت قرار گیرند و شفاعت در مورد ایشان سبب می‌شود تا مجازات و عقوبت از آنها برداشته شود (جمال زاده، ۱۳۹۲: ۲۸۳).

۶- تشکیک در بهره‌مندی از شفاعت

گفته شده بهره‌مندی از شفاعت تشکیکی است. این اصل متعالی است که توسط ملامت‌گرایان تبیین و نظام‌مند شده است به این معنا که وجود حقیقتی واحد دارای تشکیک است که بر اساس نقص و کمال دارای مراتب است و شاهد بر وحدت وجود، همان وحدت معنا است. اولین موجود مستفیض از نور الهی، عقل اول و ممکن اشرف و برترین بنده الهی یعنی حقیقت محمدی (ص) می‌باشد زیرا اولین کسی است که نورانیت به نور الهی را تقاضا نموده است (ملامت‌گرا، ۱۳۶۶، ج ۳: ۳۴۴)؛ فلذا در قیامت به اذن الهی ابتدا تمامی شافعین اقدام به شفاعت می‌کنند و پس از انقضای شفاعت همه آنها به حکم ارحم الراحمین موقع شفاعت خدای متعال می‌رسد.

۷- شفاعت برای دفع و رفع عقاب

گفته شد که شفاعت به معنای جفت است در مقابل طاق و از آنجا که علل طبیعی با ضمیمه شدن اذن پروردگار و اراده حق تأثیر می‌ورزد لذا شفاعت اطلاق می‌شود. طنطاوی در تفسیر الجواهر گوید: بذرهای شفاعت علم و درخت آن عمل و میوه آن نجات در آخرت است: «يَشْفَعُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ ثَلَاثَةٌ: الْأَنْبِيَاءُ ثُمَّ الْعُلَمَاءُ ثُمَّ الشُّهَدَاءُ» (طنطاوی، ۱۹۹۱، ج ۱: ۶۴) پس درجات شفاعت وابسته به اخلاق و رفتار اجتماعی است که افراد در زندگی خود و در روابط اجتماعی با دیگران داشته‌اند.

علامه سید کمال حیدری در شرح مطالب طنطاوی گوید: سخن طنطاوی دارای دو نقطه و مطلب اساسی است: اول: که در آن بحث و سخنی نیست این است که رابطه حقیقی و علاقه وجودی بین اعتقاد انسان و خلق و عمل او در این دنیا و جزای اعمالش در دنیای دیگر وجود

دارد (حیدری، ۱۴۳۴.ه.ق: ۱۱۶). مطلب دوم: شفاعتی که در آیات و روایات آمده اختصاص به دفع عقاب دارد قبل از آن که سبب عقاب حاصل شده باشد و به رفع عقاب ثابت بر گناهکاران و مجرمان در روز قیامت بعد از ثبوت جرم و لزوم عقاب دلالت ندارد. توضیح مطلب اینکه شفاعت مورد تایید و اذعان این نظر به آن است که نزول شریعت بر انبیا و تعلیم مردم توسط آنها و هدایت به سمت اعمال صالح و بیان راه های توبه و عمل به آن همه اینها سبب برای دفع عقوبت و مجازات است. در اینجا است که شفاعت در دو وجه دفع و رفع بر عقاب گناهکاران اثرگذار است. به عبارتی شفاعت از ورود به گمراهی ها و گناهان خودداری باز می‌دارد و قبل از ورود عقاب موجب بخشایش گناه می‌شود و هم در صورت ورود عقاب بر شخص گناهکار، در حین جاری بودن آن، رفع عقاب را به همراه دارد. پس اگر گناه کرده باشد و فرد گناهکار شناخته شده باشد و در حق وی مجازات ثابت شده باشد اگر معتقد به برطرف شدن مجازات شدیم در اینجا رفع صورت گرفته است. هر یک از این دو به رفتار فرد در زندگی فردی و اجتماعی وابسته است و این که رفتار وی در چارچوب معیارهای اخلاقی چگونه در زندگی ظهور یافته است. بر اساس این نظر و رویه ارتباطی میان شفیع و درخواست کننده، وظیفه پیامبران و امامان و اولیای و علما و کتب آسمانی این است که وحی را به مردم تبلیغ کنند و راه های نجات و رستگاری را به آنها بنمایانند و از وقوع در لغزشگاه ها و گناهان بازدارند تا به این وسیله اسباب دفع عقاب از آنها شوند.

با توجه به تحلیلی که از عنصر علت و معلولی در مفهوم شفاعت به عمل آمد، در اینکه شفاعت در روز قیامت بعد از اذن و رضای پروردگار و به اختیار عده‌ای از ملائکه و دست مردم صورت گیرد و ایشان بتوانند با تمسک به رحمت و عفو و مغفرت خداوند با نظر داشت دیگر اوصاف پروردگار که شامل حال بندگان گناهکار می‌نماید از عقوبت و عذاب دور شوند. این رویکرد است که عامل تغییر در رفتار اخلاقی و تحول در رفتار اجتماعی افراد را به دنبال دارد. چرا که راه سعادت را مسدود ندانسته و در مسیر تکامل رشد و تغییر رفتار انسان را نوید می‌دهد به طوری که اخلاق مداری را در رفتار اجتماعی را در مسیر آگاهی یافتن انسان‌ها قابل رفع کاستیها دانسته و اگر انسانی در طول حیات خود راه سعادت را یافت، بهترین نوید بخشایش را از طریق عنصر شفاعت نسبت به کردار گذشته دریافت می‌کند. این مقبولیت

تأثیر آموخته‌های شفاعت در رفتار اخلاقی و اجتماعی مبتنی بر نظر ملامت‌گرای قرآنی ۱۷۱۱۱۱

بازگشت در مسیر سیر الهی نه تنها موجبات سعادت ابدی را برای انسان‌ها به همراه دارد، بلکه رشد و بالندگی اجتماعی را با خود به ارمغان می‌آورد.

تأثیر شفاعت بر رفتار اخلاقی - اجتماعی

برای ورود به بحث، ابتدا لازم است این سؤال طرح شود که در یک برداشت کلی از جوانب شفاعت که تحت عنوان اضلاع و چارچوب متقن و محکم این اصل اسلامی؛ نور، تناسب ذاتی، تشکیک و دفع و رفع عقاب در فلسفه دینی طرح شده است چه هدفی را دنبال می‌کند؟ در پاسخ به این سؤال باید گفت هدف از خلقت آفرینی انسان چیزی جز سیر الهی و تکامل انسانی با بهره‌گیری از اندیشه، رهنمودهای الهی انبیا و اولیای و همچنین علما نبوده است تا انسان از این طریق به خود شناسی دست یابد و بر اساس یافته‌های ذهنی، قلبی به ساخت روابط بهتر با خود و دیگران برسد و در نهایت جامعه با ظهور و زیست انسان‌های الهی مدار به حیات جمعی خود براساس معیارهای الهی دست یابد. این فلسفه وجودی دین و مقررات الهی است که تنظیم‌کننده رفتار اخلاقی و اجتماعی انسان‌هاست و شفاعت نیز به عنوان یکی از اصول پذیرفته شده دینی جز این، را دنبال نمی‌کند. پس شفاعت ارتباطی است بین معبود، شفیع و شفاعت شونده. تا از این رابطه تنها و تنها شفاعت شونده به سعادت دست یابد و سعادت نیز در دو جهت دنیوی و اخروی صورت می‌گیرد و این چیزی جز هدف فلسفه شفاعت نخواهد بود که در عناصر؛ تقوا، پندپذیری، ادب، سکوت، مراقبت و محافظت، خوش خلقی، صبر، نیکوکاری و یاری رسانی، پرهیز از بدهکاری، معاشرت با عالمان به شکل رفتارهای اخلاقی اجتماعی در عملگرایی افراد به ظهور می‌رسد و مایه تکامل فردی و رشد اجتماعی می‌شود. بر این اساس در ادامه این عناصر مورد توجه نویسنده قرار گرفته است.

شفاعت و اصلاح رفتار اخلاقی اجتماعی

شفاعت اصلی برای مشتاقان اصلاح عملکرد است تا از این طریق به سعادت دنیوی و اخروی دست یابند و چون اسلام دینی اجتماعی است و احکام فردی آن نیز آهنگ اجتماعی دارد و از آن‌ها برای اصلاح و تقویت روابط اجتماعی و تحقق اخلاقی تربیت اجتماعی و اجرای اهداف مقدس جامعه بهره می‌گیرد؛ لذا اصول طرح شده در اسلام نیز همین رویکرد را دنبال می‌کنند که هم جنبه فردی و هم جمعی از یکسو و هم رستگاری دنیوی و اخروی آن از سوی دیگر ساختاری را ایجاد می‌کند که در آن زندگی انسان‌ها به دور از دغدغه‌های گمراه‌کننده باشد.

هدف اسلام در این سیر، توجه به پایه های اخلاقی با رویکرد قرآنی به مثابه عاملی مهم در تثبیت و ایجاد جامعه مطلوب اسلامی و پایداری تربیت صحیح اجتماعی به شمار می آید و تقوا، عدالت اجتماعی، وحدت و امنیت اجتماعی، مهم ترین این پایه ها محسوب می شوند. جامعه بدون اخلاق و تربیت اجتماعی و جامعه بدون توجه به پایه های اخلاقی را عامل سستی و بی بنیادی انسان ها در عرصه ایمان و عمل نیک باید دانست که در این صورت، جامعه رو به انحطاط رفته و فساد و هرج و مرج در آن گسترش می یابد (سلطانی رنایی، ۱۳۹۲: ۲۳۷).

انسان همواره دوست دارد رفتاری برتر داشته باشد و جزو بهترین ها در اجتماع محسوب شود. از این رو رقابت، سرعت و سبقت در انجام فعل پسندیده نیز در امور اخلاقی و رفتار اجتماعی نه تنها گرایش فطری انسان، بلکه سفارشی است که در برنامه های دینی و احکام قرآنی مورد تأکید قرار گرفته است و جزء اهداف انبیا و اولیای الهی محسوب می شود. بر این اساس شفاعت که رهنمودی به سیر الهی در ذهن و فعل است هدف این بزرگان و برگزیدگان خداوند است. تا انسان های مشتاق را زیر چتر نجات از زشتی ها و عقوبت آن قرار دهند.

اخلاق اجتماعی عبارت است از کلیه رفتارهای اختیاری فرد در مقابل دیگران. چه این رفتار به عنوان رفتار خاص شخص باشد و یا رفتار گروهی فرد (مانند رفتارهای اعضای یک حزب و یا گروه خاص در مقابل اشخاص و یا گروه ها و یا افراد دیگر)، حال اگر این رفتار با قالب متقن اخلاقی شخصی به عنوان الگویی برتر که آداب و اخلاق اجتماعی وی در سبک و سیاق زندگی خود رعایت می نماید و زیباترین و با ارزش ترین شاخص های زندگی یک انسان رها شده از قید و بندهای دنیوی را به نمایش گذاشته است، نقش پذیر شود. برای رسیدن به این مهم، ضمانت های اجرایی اخلاق اجتماعی باید به درستی و جامع رصد شود تا فرد و اجتماع در کنار هم بتوانند بستر رشد و تعالی را فراهم سازند (ر.ک: ایلکاک، ۱۳۹۵). این ضمانت ها گویای، رفتار انسان دوستانه، شیوه تعامل و برخورد با دشمنان در روابط اجتماعی، مهرورزی در حق خویشاوندان، عدم تکبر و خود بزرگ بینی در روابط اجتماعی، حفظ حریم خصوصی افراد و حرمت فردی و اجتماعی آنها، نوع برخورد با از کار افتادگان و رسیدگی به امور درماندگان و بیماران حتی نوع برخورد با همسایگان، همگی گویای اوج اخلاق مداری قرآنی و اصول اخلاق اجتماعی در مبانی نظری اسلام است که یکی از جنبه های آن نجات

تأثیر آموزه شفاعت در رفتار اخلاقی و اجتماعی مبتنی بر نظر ملامت‌گرای قرآنی ۱۷۳۱۱۱

انسان‌ها توسط رابطین و برگزیدگان مبدآ هستی یعنی پیامبران و اولیای از طریق قدرت شفاعت‌دهی به اذن خداوند است که موجب رهایی از زشتی‌ها و عقوبت حتمی آن است.

در این رویکرد، انسان اگر می‌خواهد به مقامات و درجات برتر که کمال آن در وجود لایتناهی خداوند است، نائل گردد، باید اخلاق انسانی خود را بر میزان دستورات و سفارشات که از ناحیه وجود هستی اعلام شده است تطبیق نماید و در حوزه اجتماع و ارتباط با دیگران به نمایش بگذارد. این گونه است که می‌تواند محبوب دل‌های دیگر انسان‌ها شود و با کسب عزت و کرامت زندگی اجتماعی خود را در حوزه‌های مختلف به دور از تزامم و آزار دیگران دنبال کند. چرا که اصولاً مردم حتی اگر خود از مکارم اخلاقی بر خوردار نباشند؛ ولی افراد متخلق به کرامت انسانی را دوست دارند و سعی و تلاش خود را در بهره‌گیری از انرژی وجود و انوار اخلاقی آنان بکار می‌گیرند. چرا که انسان از نظر قرآن ادله‌های دینی موجودی در حال صیوررت (مائده، آیه ۱۸؛ غافر، آیه ۳؛ شوری، آیه ۱۵؛ تغابن، آیه ۳) و تحول‌پذیر و رشد و کمال است. به این معنا که در ادامه حیات خود در دنیا با افعال و کرداری که به مظهر می‌رساند زمینه‌های ساخت خود را نیز فراهم می‌آورد که در صورتی این ساخت بر معیارهای دینی استوار باشد به کمال برتر و سیرت الهی نزدیک می‌شود و همان‌طور که در آیه ۱۳۸ سوره بقره اشاره دارد، بهترین رنگ را که رنگ خدایی است دریافت می‌کند.^۱

این بدان معناست که انسان اگر بخواهد رنگی بگیرد باید رنگ خدایی بگیرد؛ یعنی صفات کمالی خداوند را در خود به ظهور رساند و از صفات سلبی دوری کند. با چنین تخلق به صفات الهی است که انسان قادر است در جایگاه خلافت الهی جای گیرد و به عنوان جانشین و خلیفه خداوند در زمین رفتار کند؛ ولی در این مسیر انسان‌های برگزیده یار و کمک کار دیگر افراد هستند تا با دستگیری آنها از طروق مختلف و از جمله عنصر شفاعت، آنها را به قدرت بخشنده اصلی یعنی خدای متعال متصل و مرتبط نمایند و زمینه نجات آنها را که از درجات پایین‌تری از نور هستی برخوردارند به روشنایی نامنتها وصل نمایند. د طریق است که انسان نسبت به همه کارهای نیک و پسندیده و امور خیر پیشگام و پیشتاز می‌شود و به رقابت با

۱. صبغه الله و من احسن من الله صبغه و نحن له عابدون؛ این است نگارگری الهی و کیست خوش‌نگارتر از خدا؟ و ما او را پرستند گانیم (آیه ۱۳۸ سوره بقره).

۱۷۴// دو فصلنامه مطالعات تئودوئی / سال بیستم، شماره ۵۴، بهار و تابستان ۱۴۰۲

دیگران در کارهای خیر سرعت و سبقت می جوید (مؤمنون، آیه ۶۱؛ حدید، آیه ۲۱؛ آل عمران، آیه ۱۳۳؛ بقره، آیه ۱۴۸؛ مائده، آیه ۴۸).

آثار تربیت اخلاقی شفاعت

در هم تنیدگی فرایند تربیت و اخلاق موجب شد که مرز مشخصی در گذشته میان این دو تصویر نشود و فرایند تربیت با اخلاق همسان پنداشته شوند و اخلاقی بودن به مثابه تربیت یافتگی انگاشته شود چنان که غزالی چنین نگاشت: معنی تربیت این است که مربی، اخلاق بد را از آدمی باز ستاند و به دور اندازد و اخلاق نیکو جای آن بنهد (غزالی، ۱۳۹۳، ج ۳: ۵۲). استاد مطهری در این باره می نویسد: تربیت پرورش دادن و به فعلیت رساندن تمامی استعدادها و ایجاد تعادل در هماهنگی میان آنهاست تا از این طریق متربی به حد اخلقای کمال برسد (مطهری، ۱۳۹۳: ۸) و به تعبیر یکی از نویسندگان غربی، تربیت در زمینه جسم و جان و روان انسان است و تمامی زمینه‌های وجود او را دربرمی گیرد (حجتی، ۱۳۸۵: ۴۰).

بررسی اهداف و غایات تربیت نه در صلاحیت علم و نه در حد تکنیک بلکه فقط در صلاحیت فلسفه و اخلاق است (شکوهی، ۱۳۹۶: ۶۲). و فرایند تربیت تمامی این رفتارهای عادی و طبیعی و نیز رفتار اخلاقی و صفات اندیشه‌های مربوط به آن مختص عالم انسانی و قابل ستایش و ستایش و نکوهش و ریشه آن فضیلت جوئی فطری است (پاپکین، ۱۳۹۴: ۷۸). انسان در پرتو تربیت اخلاقی از رذایل و صفات نکوهیده می رهد و به فضایل و خصلت‌های ستوده آراسته می گردد، فضایل با تکرار اعمال شایسته به تدریج در نفس رسوخ یافته، رو به افعال نیکو از فرد سر می زند و او از انحطاط و پستی‌رهایی یافته و رو به سوی تعالی می نهد (بهشتی، ۱۳۸۸: ۴۴).

اینک با توجه به نکته فوق می توان تربیت اخلاقی را این چنین تعریف کرد: برانگیختن، فراهم ساختن و بکار بستن ساز و کارهای آموزشی و پرورشی در جهت دریافت گزاره‌های اخلاقی و شناختن و شناساندن فضایل و رذایل و زمینه سازی برای ایجاد نگرش و روی آوردن به اخلاق حسنه و تقید و پای بندی و عینیت دادن ارزش‌های اخلاقی به منظور رسیدن به سعادت و کمال جاودانه تربیت اخلاقی نام دارد. بر این اساس، رسیدن به سعادت و کمال جاودانه تربیت اخلاقی نام دارد. که با شفاعت به عنوان راه سهیل کننده تربیت روح و روان و

تأثیر آموزه شفاعت در رفتار اخلاقی و اجتماعی مبتنی بر نظر ملاصدرا و آیات قرآنی ۱۷۵

تنظیم کننده معیارهای ارزشی افعال و کردار در ارتباط است و آنگاه که شفاعت شونده در ارتباط با شفاعت کننده قرار می‌گیرد اصول پذیرفته شده اخلاقی پایبند می‌شود و با شفاعت کننده تعهد و پیمان می‌بندد که از آن اصول عدول ننماید و در چارچوب آن معیارهای انسان ساز سبک زندگی شخصی و اجتماعی خویش را پایه ریزی مجدد نماید. اینجاست که می‌توان گفت، شفاعت از مسلمات دین اسلام به شمار می‌رود و اصل آن تردیدناپذیر است. در این فرایند، شفاعت شونده برای اسقاط عقاب یا افزایش پاداش، نیروی خود را با نیروی شفیع گره می‌زند و سبب تکامل و ارتقای هستی خود می‌شود؛ بنابراین نفوس مستعد با یاری جستن از مقربان درگاه حق از ظلمت نجات می‌یابند و به رحمت بیکران الهی می‌پیوندند. از آنجا که روح انسان برای دریافت وضعیت جدید و رسیدن به کمال، نیازمند استعداد و آمادگی است، هرگاه این آمادگی به وجود آید، با رفع موانع و حجاب‌ها، موقعیت برای نورانی شدن باطن و ترقی آن فراهم می‌شود و شفاعت رخ می‌دهد. از این رو، شفاعت یکی از راه‌های ترقی و تکامل نه تنها نفس بعد از مرگ به شمار می‌رود (خالقی‌پور و مؤمنی، ۱۳۹۹: ۱۴۴). بلکه راهی برای بهبود روابط اجتماعی انسان است تا بر اساس معیارهای معنوی ارائه شده در طریق شفاعت سبک زندگی اجتماعی خود را در مدار قرب به مبدأ هستی و گسترش دامنه انسان دوستی تنظیم نماید. حال برای تعیین حوزه عملکرد شفاعت بر رفتار اخلاقی - اجتماعی شفاعت شونده لازم است این اصل اسلامی با نظر داشت آیات قرآنی و نظریات ملاصدرا مورد بحث و تبیین قرار گیرد.

برخی از رفتارهای اخلاقی که می‌تواند به عنوان رفتاری نیک در حوزه‌های اجتماعی و تحت تأثیر نیرو شفاعت برگزیدگان، زمینه نجات و سعادت انسان‌ها را بهبود می‌بخشد به شرح زیر است؛

۱- **تقوا؛** تقوا در آیات قرآن به عنوان برآیند عبادت معرفی شده (بقره، آیات ۲۱ و ۱۸۳) چنانکه برآیند تقوا نیز یقین و علم لدنی الهی دانسته شده است (قره، آیه ۲۸۲) لقمان حکیم نیز در بیان آثار و برکات تقوا می‌فرماید: فرزندم! بر تو باد به پرهیزگاری که سودمندترین معامله است و اگر گناهی از تو سرزد در پی آمرزش خواهی و پشیمانی باش و بر رهایی دوباره از مانند آن بکوش (موسوی، دیلمی، ۱۳۹۵: ۷۲). اینجاست که نقش شفاعت به عنوان عاملی

بازدارنده موجب ورود فرد به راه درست را هموار می نماید تا از این طریق ضمن دوری از انجام فعل مذموم موجبات رفع عقاب را فراهم می آورد. این رویکرد دینی است که انسان در برخورد اجتماعی باید ضمن شناخت برترین نیکی ها پای بند عمل به آنها باشد و پرهیز از رفتار ناشایست اجتماعی در معاشرت و ارتباط اجتماعی پافشاری کند. چنان که لقمان حکیم می فرماید: فرزندانم! با مردم درگیر مشو که منفور می شوی و خود را سبک مکن که ذلیل شوی. و خود را شیرین مکن که خورده شوی و خود را تلخ مکن که کنار گذاشته شوی. (مجلسی، ۱۴۰۳ق،: ۴۲۹، ح ۲۳) این سخن لقمان راهی به سوی سعادت نشان می دهد تا از طریق ارتباط با برگزیدگان درگاه الهی پیشگیری از فعل مذموم صورت گیرد تا در نتیجه آن دفع مجازات اخروی مسیر گردد و انسان ها که در درجات پایین تر از نور مبدأ اصلی قرار دارند با توسل به رابطین که به این مبدأ متصل هستند با ذهنی مرتبط و پذیرنده امر الهی، کارکردی پسندیده در امور اجتماعی داشته باشند.

۲- پندپذیری؛ در حوزه تربیت و تزکیه، نقش موعظه و پند، یک نقش مهم و اساسی است. از این رو به پیامبران فرمان داده شده که موعظه کنند تا دل های آماده از آن بهره مند شوند (نحل، آیه ۱۲۵). لقمان حکیم نیز به فرزندش می فرمود: فرزندانم! بر تو باد پند و اندرز؛ پس به آن عمل کن، که اندرز برای دانا از عسل گواراتر و برای نادان از بالا رفتن پیرمرد از نردبان دشوارتر است (موسوی، دیلمی، ۱۳۹۵: ۷۲، باب ۱۸).

پندپذیری راهی به سوی بهره مندی از فعل و سخن افراد شایسته و انسان های برگزیده در طیف نورانیت است. با این رویه آنان که درجات پایین نور مبدأ را دریافت می کنند، توان یافتن سرچشمه سعادت ابدی را به دست می آورند و با الگو قرار دادن گفتار و کردار انبیا و اولیای به کمالات بیشتر دست می یابند و در نهایت از طریق شفاعت که خود نوعی ارتباط با انسان های منتخب است، دفع امور شیطانی و رفع عذاب اخروی را میسر می نمایند.

۳- ادب و سکوت؛ دو رفتاری است که تضمین کننده سعادت انسان است. چرا که ادب به عنوان مراعات ظرایف رفتار و گفتار در جامعه به ظرافت های رفتاری و گفتاری در هر موقعیتی توجه داشته باشد. از همین رو، امام صادق (ع) از زبان لقمان حکیم می فرماید؛

تأثیر آموزه شفاعت در رفتار اخلاقی و اجتماعی مبتنی بر نظر ملاصدرا و آیات قرآنی ۱۷۷۱۱۱

فرزندم! اگر در کودکی ادب آموختی در بزرگی از آن بهره می‌بری (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۴۱۹، ح ۱۳: ۱۳).

ادب عنصری خلاف فعل ناشایست است. آنگاه که معیارهای اخلاقی پذیرفته شده ناپدید شده گرفته شود و هیچ الزامی برای بهبود رفتار اجتماعی نسبت به دیگران مورد توجه قرار نگیرد، چگونه می‌توان با انسان‌های برگزیده ارتباط برقرار کرد. اینجاست که نیروی شفاعت می‌تواند بر رفتار انسان تأثیر گذار باشد. به طوری که از طریق رابط به مبدأ نورانیت هستی وصل شده و با بهره‌گیری از این ارتباط معنوی به التزامات بیرونی و درونی خود پایبند می‌گردد.

قلب و عقل انسان در جریان سکوت از اضطراب و تشویش به آرامش دست می‌یابد و در یک مسیر درست و صحیح، همراه با نظم و منطق به تفکر می‌پردازد تا از این طریق زمینه برای الهامات الهی فراهم آید (شریف خانی، ۱۳۹۶). اینجاست که آفاق و انفس حقایق بر وی آشکار می‌شود و به علوم شهودی و حضوری دست می‌یابد. امام صادق (ع) از لقمان حکیم نقل می‌کند که ایشان گفته است: «فرزندم! اگر می‌پنداری که سخن از نقره است؛ همانا سکوت از طلاست (کلینی، بی تا: ج ۲: ۱۱۴، ح ۶).

خداوند به حضرت مریم (س) فرمان می‌دهد تا سکوت پیشه کند و در جواب سخنان یاوه دیگران خود سخنی نگوید (مریم، آیات ۲۵ و ۲۶). همچنین حضرت زکریا (ع) نیز مأمور به سکوت می‌شود. (آل عمران، آیه ۴۱) این رویه رفتاری همسو با جریان شفاعت است. چرا که شفاعت مرتبط کردن شخص است به مبدأ بخشش و معرفت که با علم شهودی و احساس درونی معنوی که همسو با شفاعت است برقرار کرد بیرونی و رفتار اخلاقی به عنوان معیاری از اصلاح امور مورد توجه اولیای و انبیا الهی بوده است و آنها از طریق ارتباط با مبدأ نورانیت و مرتبط نمودن دیگران به این مبدأ با توجه به درجات ایمانی شان، می‌توانند مسیر اصلاح درون افراد را تسریه بخشند تا از این طریق فعل ایمانی افراد در جامعه زمینه ساز اصلاح اجتماع گردد.

۴- مراقبت و محافظت؛ اموری چون مراقبه و محاسبه منجر به سیر و سلوک الهی می‌شود. چه بسیار افراد هستند که با عدم مراقبت و محافظت در فعل و کردار و عدم سلامت نفس، خود و جامعه را به سوی مفساد و نابهنجاری‌های اجتماعی سوق داده‌اند. این کارکرد ذهنی و روحی

۱. یا بنی، ان كنت زعمت ان الكلام من فضه فان السكوت من ذهب.

با بهره مندی از جریان شفاعت قادر است با سرعت بیشتر و التزام مؤثرتر شخص را در مسیر نور بی انتهای الهی قرار دهد تا با بهره مندی از دریای بی کران نورانیت و باتوجه به میزان ظرفیت معنوی راه سعادت دنیوی را ببیماید و موجبات دفع و رفع عقاب را فراهم نماید.

همچنین است خوش خلقی، صبر، نیکوکاری و یاری رسانی که ویژگی‌هایی هستند که در عملکرد انسان مایه رفتار اجتماعی سازنده می‌شوند. از اینجاست که لقمان حکیم می‌فرماید: فرزندانم!... نفس خود را وادار کن تا در امور شکیبا باشد. در رفع مشکلات برادرانت تحمل نما و با همه مردم اخلاق نیک داشته باش (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱۳: ۴۱۹، ح ۱۴). هر یک از خلقیات گفته شده تحت تأثیر شفاعت بر بهبود جریان ذهنی و عملگرایی دینی و معنوی انسان تأثیرگذار هستند. چنان که صبر عاملی بر پافشاری و مداومت در جریان شفاعت می‌تواند مؤثرترین عامل دریافت نعمات بیکران الهی و حرکت در مسیر بهزیستی عملی باشد.

۵- پرهیز از بدهکاری؛ وجهی از اخلاق اجتماعی پرهیز از دین و بدهکاری نسبت به دیگران است. لقمان حکیم می‌فرماید: فرزندانم! بی‌نیازی را در دلت قرار ده و هرگاه نیازمند شدی مردم را از آن آگاه مکن که نزد آنان بی‌ارزش می‌شوی بلکه از دریای برکت خدا بخواه (موسوی، دیلمی، ۱۳۹۵: ۷۲) عدم توجه به این رفتار و گرفتار عدم انجام تعهدات شدن خود راهی در مسیر بی‌عدالتی و کسب گناه است که اگر انسان بتواند با رفتار اولیای و انبیا مواجه شود و ارتباط روحی - معنوی پیدا کند، ضمن توجه به عدم تأخیر انداختن دیون، در صورت ارتکاب فعلی معصیت‌آلود از طریق نیروی شفاعت بازگشت وی به اصلاح عمل هموارتر می‌شود تا نه تنها به سعادت ابدی خود لطمه نمی‌زند؛ بلکه دیگران را نیز دچار خسران و زیان نخواهد کرد.

به‌طور کلی معاشرت با عالمان و بهره‌گیری از علم و دانش آنان نیز راهی به سوی سعادت است. زیرا معاشرت با نیکان و عالمان برای انسان سرمایه‌ای است که از طریق گفتار، کردار پسندیده و نوع ارتباط شایسته خود، زمینه‌راییابی انسان را به صراط برتر نشان می‌دهند. لقمان حکیم در این باره می‌فرماید: فرزندانم! همشین عالمان باش و نزدشان زانو بزن که خداوند دل‌ها را به نور حکمت زنده می‌کند همان‌گونه که زمین را با باران زیاد زنده می‌سازد. (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱: ۲۰۴، ح ۲۲) لقمان همچنین در عبارت دیگری بر ترک هرگونه رفتار

تأثیر آموزه شفاعت در رفتار اخلاقی و اجتماعی مبتنی بر نظر ملاصدرا و آیات قرآنی ۱۷۹۱۱۱

سازنده دشمنی پرهیز می‌دهد و می‌فرماید؛^۱ فرزندم! هزار دوست بگیر که هزار هم کم است و یک دشمن هم بگیر که یکی از آن هم زیاد است. (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱۳: ۴۱۴، ح ۴) لقمان از دشنام و ناسزایی در معاشرت اجتماعی اجتناب داده و می‌فرماید؛ فرزندم! مردم را ناسزا مگو تا سبب دشنام به پدر و مادر خود نگردی (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱۳: ۴۳۰، ح ۲۳).

آنچه گفته شد نمایی از تحول آفرینی شفاعت در مسیر رفتار اخلاقی- اجتماعی افرادی بود که مشتاق سعادت هستند و تلاش می‌نمایند از طریق همسو شدن با اولیای و انبیا الهی و کسب فیوضات به نور اصلی هستی نزدیک‌تر شوند تا به دفع خسران دنیوی و رفع عقاب اخروی دست یابند.

نتیجه‌گیری

آنچه به‌عنوان نتیجه کلی از بحث شفاعت و بیان و تحلیل آن در نظریه ملاصدرا قابل دریافت است، این که شفاعت از جمله مباحث کلامی است که متفکران مسلمان با الهام‌گیری از آیات قرآن آن را مطرح کردند. در بحث شفاعت به‌عنوان عنصر تأثیرگذار بر شفیع و شفاعت خواه استیلا دارد در رابطه میان علت و معلول نهفته است. به عبارت دیگر این وجود فلسفه علت و معلولی است که توجیه‌گر شفاعت از شفیع است و مراتب این دو را نسبت به یکدیگر در ارتباط نگه می‌دارد. اینجاست که فلسفه این رابطه بر رفتار فردی و اجتماعی اثرگذار است.

آیات زیادی در مورد شفاعت و ابعاد حقیقت آن در قرآن کریم آمده است و ثابت می‌کند که یکی از مسلمات نزد مسلمانان اصل شفاعت است و همه مسلمانان معتقد به شفاعت در روز جزا هستند اما این اصل مهم که دارای آثار تربیتی فراوانی است باید حقیقت آن روشن گردد زیرا تفاسیر و معانی مختلفی برای این حقیقت و این اصل تربیتی و اخلاق شده است

شفاعت نوعی طلب آمرزش و مغفرت از سوی برگزیدگان؛ انبیا، اولیای و علما در حق دیگران از مبدأ هستی است که به فرمان و اراده آن مبدأ جاری و ساری می‌شود و در بعضی آیات قرآن بر آن تصریح فرموده است و عنصری در سیر الهی؛ زیرا تزکیه نفس انسان را به کمالات نزدیک می‌کند و دوری از زشتی‌ها و پلیدی‌ها و همنشینی با اهل محافظت و مراقبت زمینه‌ساز محاسبه نفس است تا به کمال الهی نزدیک و از نقص دور شود.

۱. یا بنی، اتخذ الف صدیق و الالف قلیل و لا تتخذ عدوا واحدا، و الواحد کثیر.

۲. یا بنی، لا تشتم الناس فتکون انت الذی شتمت ابویک.

مغفرت از طریق واسطه که پیامبران و اولیای هستند صورت می‌گیرد و گاهی نیز بدون واسطه این مغفرت حاصل می‌شود همانطور که فرموده است: «یا ایها الذین آمنوا توبوا الی الله توبه نصوحاً» (سوره تحریم، آیه ۸)؛ الا ای مؤمنان، به درگاه خدا توبه نصوح (با خلوص و دوام) کنید، باشد و باز می‌فرماید: «و استغفروا ربکم ثم توبوا الیه ان ربی رحیم و دود» (سوره هود، آیه ۹۰)؛ و از خدای خود آمرزش طلبید و به درگاهش توبه و انابه کنید که خدای من بسیار مهربان و دوستدار بندگان است. با توجه به نکات برداشتی از آیات قرآنی و با نظر داشت دیدگاه ملاصدرا، شفاعت کنندگان واسطه‌های فیض خداوند در دو قوس صعود و نزول هستند. زیرا که موجودات متقدم در دریافت فیض نسبت به موجودات متأخر، اولی هستند و به دلیل سنخیت میان علت و معلول، مادیات و انسان‌ها عادی توسط مجردات و انسان‌ها کامل، فیض خداوند را دریافت می‌کنند ملاصدرا موجودات مجرد در قوس نزول و انسان‌های کامل در قوس صعود را به دلیل واسطه در فیض بودن، شفاعت کننده می‌داند؛ لذا شفاعت اصلی است که در پرتو آن و از طریق کسب نور شفیع از منبع اصلی به شفاعت کننده مسیر درست زندگی دنیوی و نعمات اخروی را نشان می‌دهد تا فرد مشتاق به شفاعت با دریافت نور از خدای متعال با طریقت رابط که انبیا و اولیای هستند سبک زندگی خویش را بر رفتار اخلاقی - اجتماعی در چارچوب منویات الهی پایه‌ریزی می‌کند تا از این طریق دفع و رفع عقاب صورت گیرد و به سعادت ابدی برسد. چرا که، شفاعت اصلی اسلامی است که در راستای اصلاح و تقویت روابط اجتماعی و تحقق اخلاقی تربیت اجتماعی از طریق کسب فیوضات الهی برگزیدگان به عنوان رابطین بین مبدأ نور و دیگران صورت می‌گیرد. اینان در تلاش هستند با شیوه‌های مختلف انسان‌ها را به مبدأ نور نزدیک سازند به طوری که شفاعت نیز ارتباطی در همین راستا است. تا ذهن و فعل دیگران که از درجات کمتری از نور برخوردارند با جهت‌گیری معنوی و بهره‌مندی از نعمات روحی که از طریق شفاعت میسر است به راه سعادت نزدیک شوند. چرا که این اصل اسلامی هم عاملی بر دفع شر است و هم مانعی برای ظهور افعال شیطانی است که در نهایت به رفع عقوبات اخروی برای کسی که از شفاعت بهره‌مند شده است منجر می‌شود.

منابع

الف) کتاب‌ها

قرآن کریم

- احمد بن حنبل (۱۳۹۱)، المسند، ج ۳، بیروت - لبنان، مؤسسه الرساله.
- اشعری، ابوالحسن، (۱۴۰۰)، مقالات الإسلامیین و اختلاف المصلین، تحقیق فرانس اشتاینر، آلمان: و یسبادن.
- بهشتی، محمد، (۱۳۸۸)، آرای دانشمندان مسلمان در تعلیم و تربیت، ج ۲، سمت.
- جرجانی، میرسیدشریف، (۱۳۲۵)، شرح المواقف؛ تصحیح بدرالدین نعسانی؛ قم: الشریف الرضی.
- جمال‌زاده، عبدالرضا، (۱۳۹۲)، لباب الفوائد فی شرح قواعد العقاید، انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی، پاییز.
- جوادی آملی، عبدالله، (۱۳۸۷)، فلسفه صدر، تحقیق و تنظیم: محمد کاظم بادیا، مرکز نشر اسراء، قم.
- حجتی، محمدباقر، (۱۳۸۵)، اسلام و تعلیم و تربیت، ج ۱، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- حیدری، کمال، (۱۴۳۴ ه.ق)، الشفاعه، مؤسسه الهدی، لبنان.
- دیلمی، احمد و آذربایجانی، مسعود، (۱۳۸۲)، اخلاق اسلامی، نشر و پخش معارف، چاپ سوم.
- ر.ج. هالینگ دیل، (۱۴۰۱)، تاریخ فلسفه غرب، ترجمه؛ عبدالحسین آذرنگ، انتشارات ققنوس.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، (۱۴۱۲ ق)، المفردات فی غریب القرآن، دمشق، بیروت، دارالعلم، الدار الشامیه.
- ریچارد پاپکین، (۱۳۹۴)، کلیات فلسفه؛ ترجمه دکتر سیدجلال الدین مجتوبی، دانشگاه تهران.
- شکوهی، غلامحسین، (۱۳۹۶)، مبانی و اصول آموزش و پرورش، آستان قدس رضوی.
- شیخ مفید، (۱۴۱۴)، أوائل المقالات فی المذاهب والمختارات، دار المفید.
- شیرازی، سیدرضی، (۱۴۲۹ ه. ق)، درس های شرح منظومه ی حکیم سبزواری، ج ۲، انتشارات حکمت، تهران.
- شیرازی، صدرالدین محمدبن ابراهیم، (۱۳۸۹)، تفسیر آیه نور یا مراتب آفرینش، ترجمه و تصحیح، محمد خواجوی، انتشارات مولی، تهران.
- شیروانی، علی، (۱۳۸۳)، ترجمه و شرح کشف المراد، ج ۲، انتشارات دارالعلم.
- صدرالدین شیرازی، محمد بن ابراهیم، (۱۳۸۲)، الشواهد الربوبیه فی المناهج السلوکیه، سید مصطفی محقق داماد، بنیاد حکمت اسلامی صدر.

۱۸۲// دو فصلنامه مطالعات تفریحی / سال بیستم، شماره ۵۴، بهار و تابستان ۱۴۰۲

صدر المتألهین شیرازی، محمد بن ابراهیم، (۱۳۸۲)، حاشیه صدر المتألهین بر الهیات شفا، تهران، بنیاد حکمت اسلامی صدرا.

صدرالدين شیرازی، محمد بن ابراهیم؛ (۱۴۰۳ ه.ق)، تفسیر القرآن الکریم، ج ۱ تا ج ۸، انتشارات بیدار، قم.

صدرالدين محمد شیرازی (ملاصدرا)، (۱۳۹۸)، الشواهد الربوبية فی المناهج السلوكية، بوستان کتاب. صدرالدين شیرازی، محمد بن ابراهیم، (۱۳۶۶)، تفسیر تفسیر فلسفی و عرفانی قرآن کریم، قم، بیدار ج ۵.

صدر المتألهین شیرازی، محمد بن ابراهیم شیرازی، (۱۹۸۱)، اسفار الاربعه، بیروت، دار احیاء التراث العربی. صدیقی عظیم آبادی، محمد اشرف، (۱۹۹۱ م.)، دار احیاء التراث العربی، بیروت، چاپ چهارم. طباطبائی، سید محمد حسین، (۱۳۹۰)، بدایه الحکمه، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، موسسه النشر الاسلامی. طباطبائی، سید محمد حسین، (۱۳۷۲)، نهایه الحکمه، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، موسسه النشر الاسلامی.

طنطاوی، الجواهر فی تفسیر القرآن الکریم المشتمل علی عجائب بدائع المكونات و غرائب الايات الباهرات، ج ۱.

عبدالجبار، ابوالحسن، (۱۴۲۲)، شرح الأصول الخمسه؛ تحقیق احمد بن حسین ابی هاشم؛ بیروت: دار احیاء التراث العربی.

علیزاده، مهدی، (۱۳۸۹ ش)، اخلاق اسلامی (مبانی و مفاهیم)، قم، دفتر نشر معارف، چاپ اول. غزالی، ابو حامد، (۱۳۹۳)، احیاء العلوم، ج ۳، ترجمه؛ موبدالدين محمد خوارزمی، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.

فنی اصل، عباس، (۱۳۸۸)، شفاعت از دیدگاه صدر المتألهین، اندیشه دینی، زمستان، دوره ۱۱، شماره ۳۳.

فیض کاشانی ملامحسن، (۱۴۰۰)، راه روشن ترجمه حجه البيضاء، سید محمد صادق عارف، مشهد، اول، موسسه آستان قدس رضوی.

قراملکی، احد فرامرز، (۱۳۸۵)، اخلاق حرفه‌ای، نشر مجنون.

کلینی، محمد بن یعقوب، بی تا، اصول کافی، ۴ جلد، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ج ۲.

کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق، (۱۴۰۷)، اصول کافی؛ ج ۱، تهران: دارالکتب الإسلامیه.

مجلسی، محمد باقر، (۱۴۰۳ ق)، بحار الانوار، ج ۱۳، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ص ۴۲۹، ج ۲۳.

تأثیر آموزه شفاعت در رفتار اخلاقی و اجتماعی مبتنی بر نظر ملاصدرا و آیات قرآنی ۱۸۳۱۱۱

مشکینی، علی؛ قافله باشی، سیدمرتضی، (۱۳۹۶)، المواعظ العذوبه (نصایح شمارشی) دوره ۳ جلدی، انتشارات: سازمان چاپ و نشر: ۲۳۸، باب الرابع.

مطهری، مرتضی، (۱۳۹۳)، انسان کامل، انتشارات صدرا.

ملاصدرا، محمد بن ابراهیم، (۱۳۶۰)، اسرار الآیات؛ تحقیق خواجه وی، تهران: انجمن اسلامی حکمت و فلسفه اسلامی.

ملاصدرا، محمد بن ابراهیم، (۱۳۶۶)، تفسیر القرآن الکریم؛ تصحیح محسن بیدارفر؛ قم: بیدار.

موسوی، محسن؛ دیلمی، حسن بن محمد، (۱۳۹۵)، ارشاد القلوب، موسسه فرهنگی دارالحدیث.

الهامی نیا، علی اصغر، (۱۳۸۵ش)، سیره اخلاقی معصومین، بخش اخلاق اجتماعی، قم، زمزم هدایت، چاپ اول.

الهامی نیا، علی اصغر، (۱۳۸۵ش)، سیره اخلاقی معصومین، بخش اخلاق فردی، قم، زمزم هدایت، چاپ اول.

ب) مقاله و پایان نامه

سلطانی رناتی سیدمهدی، تربیت اجتماعی و پایه‌های اخلاقی آن در قرآن از دیدگاه علامه طباطبایی (ره)، فصلنامه اخلاق دوره جدید سال سوم زمستان ۱۳۹۲ شماره ۱۲ (پیاپی ۳۴)، صص ۲۳۵-۲۶۰.

ایلکا، مهدی، (۱۳۹۵)، ضمانت‌های اجرایی اخلاق اجتماعی در نهج البلاغه (با محوریت نامه حضرت به مالک اشتر)، استاد راهنما: علیرضا پارسا، استاد مشاور: زهرا خیراللهی، دولتی - دانشگاه پیام نور (وزارت علوم، تحقیقات، و فناوری) - دانشگاه پیام نور استان تهران - دانشکده ادبیات و علوم انسانی.

بیات، مرتضی؛ صیدی، محمود و منصوری، احسان، (۱۳۹۷)، بررسی تطبیقی مسأله شفاعت از منظر حکمت متعالیه - اشاعره (با محوریت آرای فخر رازی) و معتزله (با محوریت آرای قاضی عبدالجبار) با توجه به آیات قرآن کریم، فصلنامه پژوهش‌های تفسیر تطبیقی، دوره ۴، شماره ۷، بهار و تابستان، صص ۲۴۱-۲۲۳.

حسینی نسب، سید مصطفی، (۱۳۹۴)، رابطه شفاعت با مقام معنوی مؤمنان، نشریه معرفت، شماره نشریه ۱۸۰، انتشار ۱۳۹۴/۰۲/۲۷.

خالقی پور، حسین؛ مؤمنی، ناصر، (۱۳۹۹)، شفاعت و نسبت آن با تکامل نفس از منظر حکمت متعالیه، فصلنامه جستارهایی در فلسفه و کلام، مقاله ۸، دوره ۵۲، شماره ۱ - شماره پیاپی ۱۰۴، شهریور، صص ۱۶۰-۱۴۳.

خواجه‌جوی، محمد؛ ترجمه اسفار اربعه ملاصدرا، ج ۹، انتشارات مولی، سال ۱۳۸۳ ه.ش.

۱۸۸۴// دو فصلنامه مطالعات تقداری / سال بیستم، شماره ۵۴، بهار و تابستان ۱۴۰۲

دانشنامه امام خمینی، ۱۴۰۰ شمسی، تهران، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، بنقل از؛ حسینی، سیداحمد، رسائل المرتضی ج ۱، ص ۱۵۰.

راستی کردار، فاطمه، ۱۳۸۸، شفاعت - مقایسه دیدگاه ابن تیمیه در مجموعه فتاوا و ملاصدرا در تفسیر آیه الکرسی، پژوهشنامه حکمت و فلسفه اسلامی، شماره ۲۸ (تابستان)، صص ۱۲۳-۱۳۷.

شریف خانی، محمدرضا، ۱۳۹۶، برترین های اخلاقی در زندگی اجتماعی، دانشنامه پژوهشگرده باقرالعلوم (ع)، ۲۴ اردیبهشت.

صدقی الاتق، محمد، ۱۳۹۳، شفاعت در اسلام، نشریه پژوهشنامه معارف قرآنی (آفاق دین)، شماره نشریه ۱۱.

عظیمی، حسین و نورعلی دخت، حمید و جلیلوند، آمنه، (۱۳۹۳)، فلسفه اخلاق سازمانی و تصمیم گیری اخلاقی در سازمان ها، چهارمین همایش ملی اخلاق و آداب زندگی، زنجان.

گرچیان محمد مهدی، (۱۳۸۴)، حرکت جوهری صدرایی و تاثیر آن بر دیدگاه های او در تفسیر قرآن کریم، فصلنامه پژوهش های اخلاقی (انجمن معارف اسلامی)، تابستان، دوره ۱، شماره ۳، صص ۷۵-۹۰.

مصباح، محمد تقی، تحقیق و تنظیم: علی اوسط باقری، (۱۳۹۴)، تفسیر قرآن کریم (۸)؛ سوره بقره، آیه ۴۸ (شفاعت در قرآن)، نشریه قرآن شناخت، شماره نشریه ۱، انتشار ۱۳۹۴/۰۲/۲۷.

مهین روستا، مژگان، (۱۳۹۵)، منیرالسادات پورطولمی و منیره سید مظهری، مبانی حکمی شفاعت در عرفان اسلامی، فصلنامه عرفان اسلامی، سال سیزدهم، شماره ۴۹، پاییز.